

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۰۳ سپتمبر ۲۰۲۳

## قومی ساختن حاکمیت!؟

شنبه - ۱۱ سنبله ۱۴۰۲ - کابل: در یادداشت امروز توجه شما را به درگیری های درونی اخیری که بین افراد طالبان اینجا و آنجا و وطن به خصوص در مناطقی که اکثریت باشندگان آن پشتون نیستند، جلب می نمایم. علت و انگیزه نوشتن این یادداشت درگیری های مسلحانه شدیدی است که در طی سه روز گذشته، در ولایت تخار بین طالبان پشتون تبار که عمدتاً نمایندگی از وزارت دفاع نظام ملاسالار می کنند و طالبان بومی ازبیک تبار و تاجیک تبار آن ولایت می باشد.

۱- تا جایی که از مطالعه دقیق وقایع و رویداد های دو دهه اخیر به ارتباط عملکرد طالبان بر می آید با وضاحت دیده می توانیم که طالب علی رغم آن که در دور اول حاکمیت شان، کلاً پایه های قدرتشان را بر روی شاخه های متعدد قوم پشتون بنیان گذاشته بودند و به سایر اقوام از جمله تاجیک ها، ازبیک ها و هزاره ها به علاوه آن که به مثابه حاکمیت کمترین توجهی به آنها نداشتند، به محض کوچکترین سوءظنی نسبت به آنها از سیاست سرکوب و زمین های سوخته علیه آنها کار می گرفتند که شاخصترین نمونه های چنین سیاسی را در قتل های عام مزار شریف، یکاولنگ و کوهدامن دیده می توانیم.

۲- همان طالب به محض این که از حاکمیت رانده شد برای آمدن مجدد خودش، سیاست "قومی ساختن حاکمیت" را به "اسلامی ساختن حاکمیت" مبدل ساخته، تلاش نمود تا جهت خنثی ساختن حاکمیت دست نشانده و پوشالی "کرزی- غنی احمدزی" که بیشتر سربازان اردوی استعماری را با جوانان فقیر اقوام تاجیک، هزاره و ازبیک سازمان داده بودند، در های جذب افراد را بر روی این اقوام نیز باز نمایند و به ده ها و صد ها ملا و مولوی تاجیک، ازبیک و هزاره را همراه با هزاران دنباله رو آنها به صفوف خود جلب نمودند و واوضاع را قسمی نشان دادند که طالب از گذشته ها درس گرفته من بعد از موضع تقویت یک "حاکمیت اسلامی" حرکت می نماید.

در نتیجه همین سیاست بود که در آغاز انتقال حاکمیت به طالب، ما شاهد چهره های زیادی از قومندانان غیر پشتون حتا هزاره های شیعه مذهب در کادر های بالائی طالب بودیم.

۳- همه شاهدیم که با گذشت هر روز از عمر ننگین حاکمیت طالب و نظام ملاسالار، به موازات و مستقیماً متناسب با تحکیم پایه های قدرت این حاکمیت جبار و ضد مردمی، رهبری طالب بسیار محیلانه از سیات "اسلامی ساختن حاکمیت" فاصله گرفته مجدداً به سیاست "قومی ساختن حاکمیت" مراجعه می نماید. در همین زمینه هرگاه سرکوب و کشتار پنجشیری ها را به مثابه نخستین گام به شمار بیاوریم، می بینیم که به دنبال آن قومندانهای هزاره و ازبیک نیز

ضمن آن که از کار برکنار شده اند با کمترین مخالفتی سرکوب و نابود نیز شده اند. یعنی طالب و نظام ملاسالار بدون آن که بگوید، عملاً بر سیاست "اسلامی ساختن حاکمیت" خط بطلان کشیده، "قومی ساختن حاکمیت" را با سرعت و قدرت به پیش برده اند.

۴- درگیری های اخیری که در این اواخر در ولایت تخار بین طالبان پشتون تبار و طالبان ازبیک تبار به وجود آمده، در واقع ادامه سیاست قومی ساختن حاکمیت و مقاومت جناح رقیب اسلامی ساختن حاکمیت می باشد. آنچه این درگیری را از درگیری های قبلی متمایز می سازد، پشتوانه های هر دو طرف درگیری می باشد. چه در حالی که طالبان پشتون تبار به نمایندگی و به فرمان "ملا یعقوب" وزیر دفاع تلاش می ورزند تا رقبای شان را در اقوام دیگر خلع سلاح نمایند و حتا به گفته یکی از افراد نزدیک به "ملا یعقوب" می خواهند این قومندانها را قبل از آن که به جنگسالارانی از قماش دوستم ها، مسعود ها و خلیلی ها مبدل بگردند خلع سلاح و از قدرت کنار بگذارند، طرف مقابل یعنی ازبیک ها و تاجیک ها در عمل تا حال از حمایت گسترده "قاری فصیح الدین بدخشانی" که در نظام ملاسالار به علاوه آن که مقام "لوی درستیز" آن نظام را دارد از حمایت و اعتماد "ملا هبت الله" نیز برخوردار است، برخوردار بوده اند. به عبارت روشنتر آنچه امروز به مثابه جنگ بین هواداران و عاملان سیاست "قومی ساختن" و "اسلامی ساختن" حاکمیت جریان دارد در واقع بازتاب کشمکش است که در درون وزارت دفاع نظام ملاسالار بین وزیر دفاع و لوی درستیز آن نظام صورت می گیرد.

۵- تا جایی که دیده می شود از آنجائی که "ملا هبت الله" در باطن دشمن هر دو نفر می باشد، یعنی به همان سان که در وجود "قاری فصیح الدین" دشمن قومی و رقیب شونبستی خود را می بیند و نه تنها نمی خواهد پیروزی اش را در هیچ نبردی ببیند بلکه از ته دل می خواهد "سر بر تنش نباشد"، در وجود "ملا یعقوب" نیز یک رقیب بالقوه از درون قوم پشتون را دیده و می داند که نامبرده هم با تکیه بر قومش و هم برخوردار از میراث پدرش به مثابه بنیانگذار "امارت اسلامی" به جایگاه شخص "امیر" چشم دوخته است؛ تا حال هیچ نوع مداخله ای در این جنگ قدرت بین لوی درستیز و وزیر دفاع ننموده است.

هموطنان گرامی!

از آنجائی که دوام این وضعیت در کل باعث تضعیف و در نهایت آغاز جنگهایی خواهد شد که نه تنها دیگر مهار ناپذیر خواهند گردید بلکه حیات نظام ملاسالار را نیز به خطر خواهند انداخت، مطمئناً "ملا هبت الله" دیر یا زود مداخله نموده در صورت امتناع آنها از توافق، به نفع یکی از آنها موضع خواهد گرفت. این که کدام موضع یعنی "اسلامی ساختن حاکمیت" را خواهد گزید و یا "قومی ساختن" آن را، تا هنوز معلوم نیست تنها چیزی که هم اکنون مسلم است این است که چنین وضعیتی نمی تواند برای زمان طولانی ادامه بیابد و "امیر غایب" ناگزیر است دستی از غیب جهت خاموش ساختن این غایله دراز نماید.

**با شعار مرگ بر طالب و نابود باد نظام ملاسالار به نبرد مان ادامه دهیم!**

**مبارزه علیه امپریالیسم، جزء لاینفک مبارزه علیه ارتجاع در کل**

**و ارتجاع هار مذهبی- طالبی به صورت خاص می باشد**

**تشکل و تسلیح نیاز و خواست زمان ما!**